

## داور با صدور رأی اولیه صلاحیت خود را برای انشای رأی مجدد از دست می‌دهد

وعده داده بودیم حتی الامکان از فضای اختصاص داده شده به سردبیر در هر شماره از لابه‌لای قضاوت‌های همکاران، خلاصه نکاتی را یادآور شویم که مطالعه آن در نوع رسیدگی‌ها و استنتاجات نهایی، حسب مورد موثر واقع شود. در این شماره نیز متعرض ۴ نکته شده‌ایم که با هم مرور می‌کنیم.

فسخ عقود و قرارداد به موجب قانون یا بر اساس مفاد قرارداد از حقوق و اختیارات متعاملین و طرفین قرارداد می‌باشد و وظیفه محاکم آن است در صورتی که دارنده حق فسخ مدعی انشاء آن و اعمال این حق گردیده و تأیید فسخ را تقاضا کرده به موضوع رسیدگی با احراز تحقق فسخ حکم به تأیید آن صادر نمایند نه اینکه به درخواست ذی‌نفع حکم بر فسخ عقد یا قرارداد صادر نمایند.

افراز غیر از تقسیم ماترک است صدور گواهی عدم افراز از سوی ثبت مقدمه دادخواست فروش مال مشاع است نه خواسته تقسیم ماترک. در تقسیم ماترک اولاً آن گاه که مال غیر منقول قابل تقسیم و تعدیل نباشد فروخته شده و بهای آن تقسیم می‌شود ثانیاً در تقسیم ماترک دادگاه علاوه بر تعیین ترکه میزان دیون و آنچه وصیت شده و بایستی اجرا شود را ملحوظ، سپس حصه هر یک از وراثت را معین می‌نماید.

قرار توقیف عملیات اجرایی حسب ماده ۱۴۶ ق اجرای احکام مدنی قطعی است و پس از صدور قرار یا دستور دادگاه باید تعیین تکلیف نماید. مقصود از تعیین تکلیف، صدور رأی توسط دادگاه است. در این صورت رأی قابل تجدیدنظر خواهد بود. مؤید این استنباط این است که در ذیل ماده ذکر شده پس از تعیین تکلیف نهایی چنانچه مال مورد اعتراض منقول باشد دادگاه می‌تواند با اخذ تأمین مقتضی دستور رفع توقیف و تحویل مال را به معترض بدهد. در صورتی که اگر تعیین تکلیف نهایی دادگاه بدوی قطعی بود دیگر با احراز صحت شکایت معترض ثالث جهت تحویل مال منقول به نامبرده، نیازی به اخذ تأمین نبود.

داور نمی‌تواند هر زمان و به کرات مبادرت به صدور رأی نماید زیرا صدور رأی توسط اشخاص خلاف اصل بود در نتیجه باید بقدر متیقن اکتفاء نمود و آن هم صدور یک نوبت رأی توسط داور است در واقع داور با صدور رأی اولیه صلاحیت خود را برای انشاء رأی مجدد از دست داده فقط با توجه به نص وارده می‌تواند با رعایت شرایط نسبت به صدور رأی اصلاحی اقدام نماید.